



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۱۰

نویسنده: ن. جلیل زاد

روح نهضت پیشرونده ای امانی برای ما مهم است

نهضت امانی نخستین تلاش منسجم برای تبدیل «ملت پراکنده» به «ملت واحد» بود. و تا زمانی که این روح در ما زنده است، هیچ قدرتی نمی تواند آینده افغانستان را از ما بگیرد. روح «نهضت پیشرونده امانی» تنها یک یادگار تاریخی نیست، یک انرژی زنده، یک وجدان بیدار و یک افق گشوده برای ملت ماست.

این روح، از دل تجربه های تلخ و شیرین تاریخ افغانستان سر برآورد، از لحظه ای که امان الله خان، با جسارت یک نسل تازه نفس، تصمیم گرفت کشور را از مدار رکود بیرون بکشد و به مسیر دولت سازی، قانون گرایی و کرامت ملی وارد کند. در آن دوران، افغانستان در میانه دو جهان ایستاده بود: جهانی که میخواست ما را در حاشیه تاریخ نگه دارد، و جهانی که درهائش را تنها به روی ملت هایی می گشود که جرأت تغییر داشتند.

نهضت امانی، پاسخ ما به این دوگانگی بود. این نهضت، بیش از آنکه پروژه ای سیاسی باشد، یک تحول ذهنی و اجتماعی بود. امانیست ها، امانی ها می خواستند انسان افغان را از قید ترس، جهل و قبیله گرایی رها کنند و او را به مردمان، اتباع و شهروندی آگاه، قانون مدار و مشارکتجو تبدیل سازند.

در جامعه ای که قرن ها بر محور روابط خویشاوندی و ساختارهای بسته سنتی می چرخید، این نگاه یک دگرگونی و یک انقلاب فکری بود.

امان الله خان می دانست که استقلال سیاسی بدون استقلال فکری و اجتماعی دوام نمی آورد، بنابراین، آموزش، حقوق زنان، اصلاحات اداری، عدالت خانه، و بازتعریف رابطه دولت و مردم را در مرکز کار خود قرار داد. اینها تنها اصلاحات نبودند، اینها تلاش برای ساختن «انسان نو» در افغانستان بودند.

از منظر جامعه شناسی، نهضت امانی نخستین تلاش منسجم برای تبدیل «ملت پراکنده» به «ملت واحد» بود. او می خواست هویت ملی را بر پایه حق مشارکت و قانون بنا کند، نه بر محور قوم، قبیله یا امتیاز. این نگاه، اگرچه با مقاومت ساختارهای سنتی روبه رو شد، اما بدر یک آرمان بزرگ را در ذهن نسل های بعد کاشت: آرمان افغانستانی که در آن، انسان ها نه به خاطر تبار، بلکه به خاطر شایستگی و مشارکت شان ارزشمند باشند. این همان روحی است که امروز نیز برای ما حیاتی است، زیرا جامعه ما هنوز میان گذشته قبیله ای و آینده مدنی در کشاکش است.

از منظر تاریخی، شکست سیاسی امان الله خان پایان نهضت نبود، آغاز سفر طولانی آن بود. هر بار که افغانستان در تاریکی فرو رفت، این روح دوباره از زیر خاکستر برخاست: در تلاش های روشنفکران دهه چهل، در مبارزات مدنی نسل های بعد، و در آرزوهای جوانانی که هنوز هم می خواهند کشورشان را از مدار خشونت و عقب ماندگی بیرون بکشند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

روح نهضت امانی، روح «پیشرفتن» است، نه به تقلید کورکورانه از جهان، بلکه با حفظ ریشه ها و بازتعریف آن ها در پرتو عقلانیت و عدالت. از منظر میهنی، این روح برای ما یک چراغ راه است. ما امروز بیش از هر زمان دیگر به آن نیاز داریم، زیرا ملت ما در برابر دو خطر بزرگ ایستاده است: یکی فروپاشی اجتماعی ناشی از تفرقه های قومی و مذهبی، و دیگری تسلیم شدن به سرنوشت تحمیلی. روح نهضت امانی به ما یادآوری می کند که افغانستان زمانی می تواند سربلند باشد که مردمش به جای دشمنی با یکدیگر، در ساختن آینده شریک شوند، زمانی که قانون جای زور را بگیرد، زمانی که آموزش و آگاهی، ستون های اصلی جامعه باشند، زمانی که زن و مرد، هر دو، در ساختن وطن نقش برابر داشته باشند. این روح، امروز نه یک خاطره دور، بلکه یک مسئولیت است. مسئولیت ادامه دادن راهی که برای کرامت انسان افغان گشوده شد. مسئولیت ساختن کشوری که در آن، آزادی، عدالت و پیشرفت نه شعار، بلکه تجربه روزمره مردم باشد. نهضت امانی، دعوتی است برای برخاستن، برای اندیشیدن، برای ساختن. و تا زمانی که این روح در ما زنده است، هیچ قدرتی نمی تواند آینده افغانستان را از ما بگیرد.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد